



## Interpretive anthropology of Turkmen equestrian competitions

Ahmad Naderi<sup>1</sup> | Abdolaziz Tatar<sup>2</sup> 1. Associate professor, Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [anaderi@ut.ac.ir](mailto:anaderi@ut.ac.ir)2. Academy of Persian Language and Literature, and Faculty of Social Sciences, University of Tehran  
E-mail: [tatar.aziz@gmail.com](mailto:tatar.aziz@gmail.com)

---

**Article Info****Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received: 2023.06.16

Received in revised form:  
2023.08.29

Accepted: 2023.09.09

Published online: 2023.09.19

**Keywords:**Riding, Turkmen People,  
Betting, Hermeneutic  
interpretation, Clifford  
Geertz, Interpretive  
anthropology

---

**ABSTRACT**

In this paper, equestrian competitions among the Turkmen of the Turkmen-Sahara region, which are considered a cultural-sports phenomenon for them, and the hidden meanings that these competitions and betting around these competitions have for the people of this tribe have been studied. Clifford Geertz's hermeneutic interpretation method has been used to study this cultural phenomenon. Geertz mentions two methods of surface description and deep description in ethnography. Accordingly, the work of the ethnographer is not only to provide a report on cultural phenomena, and this part is only a superficial interpretation, but the main work of the ethnographer is that in addition to this ethnographic report, he should provide a deeper description of these phenomena and their meanings for that people, which is a personal interpretation. He is an ethnographer who mentions it under the title of hermeneutic interpretation. In this article, after explaining the concept of hermeneutics, Geertz's interpretive approach is discussed. In the following, relying on Geertz's interpretive approach, first an ethnographic report of this competition and its margins is presented, and then in the second stage, a deeper description of this phenomenon is given from the authors' point of view. The observations and interpretations of the authors indicate that keeping a horse for Turkmen today does not only mean their relationship with horses and riding, but also indicates financial wealth and social status for them. In addition, betting does not only have a material dimension for people, but also shows their expertise and skill in knowing horses and their power of prediction, which can bring them a social position among horse and horse lovers. In addition, these people learn honesty and integrity by keeping their promises in betting without documents and receipts.

---

**Cite this article:** Naderi, A., & Tatar, A. (2023). "Interpretive anthropology of Turkmen equestrian competitions". *Iranian Journal of Anthropological Research*, 12(23), 187-207. <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360924.459820>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360924.459820>

---

## انسان‌شناسی تفسیری مسابقات سوارکاری ترکمن‌ها

احمد نادری<sup>۱</sup> | عبدالعزیز تاتار<sup>۲</sup><sup>۱</sup>. دانشیار گروه مردم‌شناسی، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: [anaderi@ut.ac.ir](mailto:anaderi@ut.ac.ir)<sup>۲</sup>. مربی پژوهشی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران، رایانامه: [tatar.aziz@gmail.com](mailto:tatar.aziz@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

### کلیدواژه‌ها:

سوارکاری، قوم ترکمن، شرط‌بندی، تفسیر هرمنوتیک، کلیفورد گیرتز، انسان‌شناسی تفسیری

مطالعه پدیده‌های فرهنگی قومیت‌های مختلف به ما درک بهتر معانی پدیده‌های فرهنگی برای آن قوم کمک می‌کند. در این مقاله مسابقات سوارکاری در بین ترکمن‌های منطقه ترکمن‌صحرا که پدیده فرهنگی-ورزشی برای آنها به‌شمار می‌آید و معانی پنهانی که این مسابقات و شرط‌بندی پیرامون این مسابقات برای افراد این قوم دارد مطالعه شده است. برای مطالعه این پدیده فرهنگی از روش تفسیر هرمنوتیکی کلیفورد گیرتز استفاده شده است. گیرتز در مردم‌نگاری از دو روش توصیف سطحی و توصیف عمیق یاد می‌کند. به زعم او کار مردم‌نگار تنها ارائه گزارش از پدیده‌های فرهنگی نیست، و این بخش تنها تفسیر سطحی است، بلکه کار اصلی مردم‌نگار این است که علاوه بر این گزارش مردم‌نگارانه توصیف عمیق‌تری از این پدیده‌ها و معانی آنها برای آن قوم را باید ارائه دهد که تفسیر شخصی مردم‌نگار است که از آن تحت عنوان تفسیر هرمنوتیک یاد می‌کند. در این مقاله پس از توضیح مفهوم هرمنوتیک، به رویکرد تفسیری گیرتز پرداخته شده است. در ادامه با اتکا به رویکرد تفسیری گیرتز، ابتدا گزارشی مردم‌نگارانه از این مسابقات و حواشی آن ارائه شده و سپس در مرحله دوم توصیف عمیق‌تر این پدیده از دید نگارندگان آمده است. مشاهدات و تفسیر نگارندگان دال بر این است که امروزه نگاه‌داری اسب برای ترکمن‌ها تنها به معنای علاقه آنها به اسب و سوارکاری نیست، بلکه برای آنها نشانگر توانگری مالی و شأن اجتماعی است. به‌علاوه شرط‌بندی‌ها نیز تنها بعد مادی برای افراد ندارد، بلکه نشان‌دهنده تخصص و مهارت آنها در شناخت اسب و قدرت پیش‌بینی آنهاست که می‌تواند برای آنها جایگاه اجتماعی در بین علاقه‌مندان به سوارکاری و اسب به همراه داشته باشد. افزون بر این، این افراد با وفای به عهد خود در شرط‌بندی‌های بدون سند و رسید، آموزش صداقت و درستکاری می‌بینند. همچنین افراد حاضر در این میدان با شرط‌بندی بر روی اسب خویشان و دوستان خود، تمرین همبستگی قبیله‌ای می‌کنند. بدین ترتیب این مسابقات و شرط‌بندی‌های پیرامون آن دارای کارکرد جامعه‌پذیری برای این قوم هستند.

استناد: نادری، احمد، تاتار، عبدالعزیز (۱۴۰۲). «انسان‌شناسی تفسیری مسابقات سوارکاری ترکمن‌ها» پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۲(۲۳)، ۱۸۷-۲۰۷.

<https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360924.459820>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360924.459820>

## ۱. مقدمه

مفهوم فرهنگ یکی از پیچیده‌ترین مفاهیمی است که تاکنون در علوم انسانی مطرح شده است و افراد مختلف برداشت‌های متفاوتی از آن داشته‌اند. تعریف فرهنگ از زوایای علوم مختلف همچون انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، قوم‌شناسی و غیره مورد بررسی قرار گرفته است (پیروزمند، ۱۳۸۵: ۶۰). برای درک این میزان از تعدد می‌توان به کتاب آشوری (۱۳۸۰) مراجعه کرد که در آن حدود ۱۶۴ تعریف برای فرهنگ ذکر شده است. مفهوم فرهنگ، تاریخ پیچیده و ابهامی رغبت‌انگیز دارد. روشنفکران در زمینه‌های گوناگون تلاش کرده‌اند، معنای چندگانه مندرج در این کلمه را از هم متمایز سازند و مفهوم بی‌ابهامی از فرهنگ را به دست دهند که یا اختلاف میان معنای موجود را از میان بردارد و یا به‌جای همه آن‌ها تعریف تازه‌ای از این کلمه بنشانند. اما هنوز راه‌حل رضایت‌بخشی پیدا نشده است (جانسون، ۱۳۷۸: ۱۱). فکوهی این مشکل را عمدتاً ناشی از این واقعیت می‌داند که در زندگی انسان مدرن یعنی انسانی که پس از دو انقلاب صنعتی و سیاسی با روابط اجتماعی جدید سازمان یافته، تقریباً هر چیزی از یک یا چند بُعد، فرهنگی است (فکوهی، ۱۳۹۳: ۹۹). با ظهور علم انسان‌شناسی، انسان‌شناسان به مطالعه انسان پرداختند و فرهنگ را نظام کلی و پیچیده‌ای از آداب و عقاید یا به بیانی دیگر راه‌ورسم کل زندگی مردمان تعریف کردند (هاولز<sup>۱</sup> و نگریروس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۱۳۸). این تعریف برای مطالعه و فهم فرهنگ جوامع؛ به‌خصوص هنجارها و ضدهنجارها، آداب‌ورسوم، خرده‌فرهنگ‌ها، ضدفرهنگ، هویت، روابط بین‌فرهنگی، مراسم‌ها و آیین‌ها و اشکال نمادین ارتباطی همچون نقاشی‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها، تبلیغات و... تعریفی مناسب به نظر می‌رسد.

اما چرا باید به مطالعه فرهنگ پردازیم و به فهم مشترکی از آن برسیم. افراد مختلف به این سؤال جواب‌های متنوعی داده‌اند. شائولز برای توضیح در مورد تطبیق فرهنگی، شناخت فرهنگ یک جامعه را الزامی می‌داند و معتقد است که تطبیق با یک مکان جدید، مستلزم یادگیری دیدگاه فرهنگی آنجاست؛ این که مردم چگونه فکر می‌کنند، به چه چیزی ارزش می‌نهند و زندگی چه معنایی برای آن‌ها دارد (شائولز، ۱۳۹۶: ۳). هاولز و نگریروس در کتاب فرهنگ دیداری در پاسخ به این سؤال می‌گویند فهم فرهنگ، فهم مردم است که در نهایت به شناخت خود ما می‌انجامد. آنها معتقدند که برای رسیدن به چنین حدی از شناخت ما باید بسیار فراتر از این جمله برویم که «همه چیز فرهنگ است». ما نیازمند پاسخگویی به چنین سؤالاتی هستیم که ما چرا متون فرهنگی را می‌سازیم؟ آنها چه معنایی دارند؟ چطور معنا می‌دهند؟ چگونه انتقال می‌یابند؟ و ما چگونه آنها را برای خودمان خوانش می‌کنیم؟ (هاولز و نگریروس، ۲۰۱۴: ۱۳۸)

در این مقاله سعی داریم به مسابقات سوارکاری و حواشی آن در بین ترکمن‌ها پردازیم و با کسب دانش بیشتر از این مسابقات به اهمیت و ارزش این مسابقات و معانی آن برای این قوم پی ببریم. شرط‌بندی و برگزاری مسابقات سوارکاری در میان ترکمن‌ها پدیده‌ای متأخر نیست و سالهاست که به بخشی از رسوم آن‌ها مبدل شده است. تاحدی که بخش بزرگی از فرهنگ این مردمان را تشکیل می‌دهد و موضوع بسیار جالبی برای نگاه مردم‌شناسی به‌شمار می‌آید که پژوهش‌های فراوانی را می‌طلبد. این پژوهش را می‌توان آغازی برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه و پایه و پرداختن به موضوع از دیدگاه تفسیری دانست که با روش‌های تأویلی و تفسیری به یافتن داده‌ها و تفسیر آن‌ها انجام می‌شود. حال سؤال این است که با توجه به اهمیت فرهنگ چه روش‌هایی برای مطالعه فرهنگ‌ها پیش‌رو داریم. هاولز و نگریروس در کتاب فرهنگ دیداری (۲۰۱۴) با الهام از کارهای کلیفورد گیرتر<sup>۳</sup> برای مطالعه فرهنگ،

1 Howelles

2 Negreiros

3 Clifford Geertz

نظریه تفسیر و تأویل هرمنوتیکی و روش مردم‌نگاری را یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای مطالعه فرهنگ معرفی می‌کنند. در این مقاله قصد داریم از این نظریه و روش برای مطالعه معنای مسابقات سوارکاری برای ترکمن‌ها استفاده کنیم. در اینجا ابتدا برای روشن‌تر شدن موضوع به‌اجمال مفهوم هرمنوتیک و سپس به نظرات گیرتز در مورد تفسیر در مردم‌شناسی بپردازیم.

## ۲. هرمنوتیک و انسان‌شناسی تفسیری

لفظ هرمنوتیک در اصل یونانی است. این لفظ از فعل هرمنوئین<sup>۱</sup> به معنی تفسیر کردن و اسم هرمنینیا<sup>۲</sup> به معنی تفسیر است (ریخته‌گران، ۱۳۷۸: ۱۷). نام هرمنس نیز از این واژه مشتق شده است. در نظر یونانیان شأن هرمنس این بود که آنچه فی‌نفسه ورای فهم انسانی است تغییر دهد و با توضیح و تشریح خود آن را به‌وجهی بیان کند که عقل انسانی بتواند آن را درک کند (همان: ۱۸) کاربرد جدید اصطلاح هرمنوتیک از قرن هفدهم است، اما خود عمل تفسیر متون و پرداختن نظریات تفسیری به عهد باستان برمی‌گردد (همان: ۴۷). به نظر بُک<sup>۳</sup>، کار تأویل‌کننده به کار مترجمی که متنی را از زبانی به زبان دیگر برمی‌گرداند همانند است. مترجم متن را برای کسانی که با زبان مبدأ آشنا نیستند آشنا می‌کند. تأویل‌کننده نیز معنایی را که برای دیگر مخاطبان آشنا نیست قابل فهم می‌کند (احمدی، ۱۳۸۰: ۵۲۸). کُربای معتقد است که چنان‌که از سنت برمی‌آید هرمنوتیک علم یا نظریه تأویل است (کربای در نیچه و دیگران، ۱۳۷۷: ۹).

متأهلین پروتستان نخستین اندیشمندانی بودند که در دنیای جدید به احیا و پرورش مباحث هرمنوتیک همت گماشتند. برای نخستین بار واژه هرمنوتیک در عنوان کتابی ظاهر شد که در سال ۱۶۵۴ م. توسط عالمی پروتستان به نام جی. کی. دآن‌هایر<sup>۴</sup> به نام هرمنوتیک قدسی یا روش تأویل متون مقدس به نگارش درآمد. یکی از دلایلی که هرمنوتیک ابتدا در متون دینی مطرح شد این بود که معنا در دین مبهم است و مؤمنان ناگزیرند که معنا را دریابند. تأویل این متون از این رهگذر، گریزناپذیر است (احمدی، ۱۳۸۰: ۵۲۹) اما هرمنوتیک فقط به متون مذهبی محدود نماند و در پایان سده نوزدهم و به‌خصوص در آلمان هرمنوتیک به‌عنوان یک روش فلسفی که نه فقط به متون کهن، بلکه به همه مطالعات انسانی مربوط است اعتبار چشمگیری پیدا کرد (کربای در نیچه و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۱) و به حوزه‌های غیر کلامی نیز راه یافت.

## ۳. نقد بر تفسیر هرمنوتیک

نقدی که در خصوص هرمنوتیک مطرح می‌شود این است که چقدر این تفسیرها و یا تأویل‌ها درست و بی‌طرفانه است و منبع این تفسیرها کجاست. شلایرماخر<sup>۵</sup> معتقد بود که درستی هر تأویل نسبی است. به نظر او بدفهمی و ادراک ناکامل در کنش شناخت موردی است طبیعی که در آغاز هر شناخت پیش می‌آید (احمدی، ۱۳۸۰: ۵۲۹). دلیل این امر نیز این است که تمامی تفاسیر ما ذهنی است، ذهنیتی بر پایه پیش‌فرض‌ها و دانسته‌های پیشین ما. برای اینکه به تفهمی از یک چیز دست یابیم باید تفهمی پیشینی داشته باشیم و تفهم پیشینی حاصل نمی‌شود، الا اینکه قبلاً به تفهمی از آن دست یافته باشیم (ریخته‌گران، ۱۳۷۸: ۳۸). هر نوع فهم و تفسیر متکی بر پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌هاست. انسان هیچ‌گاه با ذهن خالی به سراغ فهم امور نمی‌رود و پیش‌داشت‌ها و منظرهای

1 Hermeneuein

2 hermenieia

3 Bock

4 J. K. Dannhauer

5 Schleiermacher

وجودی در هر عمل فهم او را همراهی می‌کند. بنابراین انسان، در فهم‌های جدیدش جهان بیرون و درون را آن‌گونه که فهم‌های پیشین و داشته‌هایش اقتضا می‌کنند می‌فهمد. اما این امر ممکن است به سوءفهم منجر شود، زیرا احتمال دارد پیش‌داشته‌ها اموری نادرست باشند. (مسعودی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) در جواب می‌توان به آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> رجوع کرد که اعتقاد دارد تفاسیر هرمنوتیک تفاسیر بی‌نقص نیستند و نقصان در قلب علم هرمنوتیک است (هاولز و نگریروس، ۲۰۱۴). استنلی فیش<sup>۲</sup> منتقد امریکایی پاسخ رادیکال‌تری به این نقد می‌دهد. از نظر فیش در متن هیچ معنای از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد، بلکه معنای آن یکسره محصول نحوه تأویل ماست (کربای در نیچه و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۶). اما همانطور که در بالا اشاره شد در این مقاله قصد داریم از رویکرد هرمنوتیکی کلیفورد گیرتز و روش او که آن را با روش‌های انسان‌شناسی ترکیب کرده است، برای درک معنایی که ترکمن‌های به مسابقات سوارکاری می‌دهند بپردازیم. بنابراین در این بخش به توضیح دیدگاه هرمنوتیکی و روش تفسیری وی می‌پردازیم.

#### ۴. انسان‌شناسی تفسیری کلیفورد گیرتز

هنگامی که به کاربرد رویکرد هرمنوتیک در مطالعه فرهنگ می‌پردازیم نمی‌توان نظرات و تجارب کلیفورد گیرتز - انسان‌شناس معاصر امریکایی - را فراموش کرد. گیرتز در مطالعات انسان‌شناختی خود به دنبال معنای فرهنگ و نحوه تفسیر آن بود و در واقع مفهوم تفسیر در روش‌شناسی مطالعاتی او نقشی بنیادین دارد (هاولز و نگریروس، ۲۰۱۴: ۱۳۹). گیرتز می‌خواست بداند که فرهنگ به چه معناست و چگونه می‌توان آن را تفسیر کرد (همان)؛ بنابراین دغدغه او کشف معنا بود. او بر اهمیت تفسیر در مردم‌شناسی تأکید می‌کند و معتقد است که مردم‌نگاری تنها ایجاد دوستی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده و مجموعه‌یادداشت‌های روزانه نیست (گیرتز، ۱۹۷۳: ۶). وظیفه مردم‌شناس جمع‌آوری داده‌های درجه اول در مورد نقاط دوردست نیست، بلکه قدرت کار او در روشن کردن کاهش معماها و آن چیزی است که در آنجا می‌گذرد (همان: ۱۵).

گیرتز برای روشن کردن این معماها، رویکردی تفسیری را پیشنهاد می‌کند و معتقد است که فرهنگ را باید مجموعه‌ای از متون در نظر گرفت. وی رویکرد تفسیری را بهترین راه برای تلاش جهت کشف معنای متون فرهنگی می‌داند (هاولز و نگریروس، ۲۰۱۴: ۴۰). گیرتز فرهنگ را ترکیبی از متونی می‌بیند که اجزای آن را اشکال نمادین تشکیل می‌دهند و نباید به صورت ظاهری خوانش شوند؛ از نظر او این متون در واقع چیزی را در مورد چیزی می‌گویند (هاولز و نگریروس، ۲۰۱۴: ۱۳۹) و دارای معانی عمیقی هستند که باید کشف شوند. بنابراین نباید در مطالعه متون فرهنگی - آنچنان که در نشانه‌شناسی نیز تأکید می‌شود - به ظاهر متن‌ها اکتفا شود و نیازمند این هستیم که مفاهیم غیرآشکار متون را استخراج کنیم. انجام چنین کاری مانند نفوذ به عمق متن ادبی است؛ یعنی نفوذ به زیر سطح آرایشی و رسمی برای کشف آنچه گفته می‌شود (همان). برتری دادن به متن، ویژگی روش‌شناسی تفسیری اوست. گیرتز می‌خواهد واقعیت‌های اجتماعی مانند متن نگریسته شود و همان‌طور که متن‌ها را تفسیر می‌کنیم، واقعیت‌های اجتماعی را نیز باید تفسیر کنیم. خصوصیت بارز دیدگاه گیرتز تأکید بر معناست؛ یعنی هر شناختی درباره فرهنگ، باید با درک معانی فرهنگی آغاز شود.

گیرتز همچون پانفسکی<sup>۳</sup> که معتقد است جهان بینی هر دوره یا گروه اجتماعی در نقاشی‌ها به‌طور ناخودگاه تثبیت می‌شود، بر آن است که حس مردم از خودشان، در متون فرهنگی که نظم گسترده‌تری دارند جای گرفته است و این شامل داستان‌هایی است که آن‌ها به خودشان در مورد خودشان می‌گویند (همان، ۲۰۱۴: ۱۴۶) و وظیفه ما خواندن دقیق آن‌هاست. گیرتز در اینجا از

1 Anthony Giddens

2 Stanley Eugene Fish

3 Panofsky

وارد گودایناف<sup>۱</sup> کمک می‌گیرد که معتقد است فرهنگ در ذهن و قلب انسان‌هاست (گیرتز، ۱۹۷۳: ۱۱) و با اتکا به این گفته بر این نکته اشاره می‌کند که ما باید به ذهن و قلب افراد نفوذ کنیم تا معنایی که آن‌ها به کردارهایشان می‌بخشند بفهمیم. شیوه‌ای که گیرتز پیشنهاد می‌کند تفسیر این متون فرهنگی نمادین است. به اعتقاد گیرتز جوامع مانند زندگی‌ها تفاسیر مختص خود را دارند و آنچه ما باید انجام دهیم، **خواندن دقیق آن‌هاست** (گیرتز، ۱۹۷۳: ۴۵۳). با این نگاه، جامعه همچون یک متن است و در نتیجه فرهنگ مردم، مجموعه‌ای از این متون است. با چنین نگاهی می‌توان مدعی شد که معنای کنش‌های انسان‌ها کاملاً فرهنگی است.

مسئله کشف معنا و بیرون کشیدن آن از دل نمادها که گیرتز به دنبال آن است، با تقسیم‌بندی دوگانه وی از انواع نمادها شکل می‌یابد: نمادهای آگاهانه و نمادهای پنهان. بازنمایی آگاهانه نمادها همچنان که از نام آن پیدا است، از دلالت شیئی بر یک مفهوم مشخص و به صورت شفاف حکایت دارد؛ مثلاً پرچم را می‌توان نماد آگاهانه یک کشور دانست. بازنمایی از طریق نمادهای پنهان زمانی اتفاق می‌افتد که جوامع و افراد و گروه‌های اجتماعی درون آن از دلالت‌های نمادین خبر ندارند و نمی‌دانند که یک نماد نشان از چه چیزی دارد. گیرتز معنای فرهنگی مستتر در اعمال اجتماعی را عمدتاً از نوع پنهان و ناخودآگاه می‌داند و برای رسیدن به فهم این نمادهای پنهان، رویکرد تفسیری را دنبال می‌کند (نادری، ۱۳۹۱: ۷۳). هدف او فهم دیگران از راه لایه‌های ظاهری و نمادهای آشکار و عینی رفتار و کنش‌های گروهی است و روش او مشاهده و آزمودن این معانی به کمک نمادها و پی بردن به معانی عمیق و نهفته این نمادهاست.

گیرتز معتقد است که معنای فرهنگی را نمی‌توان به صورت تجربی، علمی یا کمی با استفاده از روش‌های خشک مرسوم در علوم اجتماعی درک کرد (هاولز و نگربروس، ۲۰۱۴: ۱۳۹). فرهنگ با الگوهای واحد سازگاری ندارد و حتی نمی‌توان آن را به فرمول تقلیل داد (همان) چراکه تحلیل فرهنگ نمی‌تواند علمی تجربی باشد که به دنبال قانون است، بلکه علمی است تأویلی که به دنبال معناست (گیرتز، ۱۹۷۳: ۵). نقش عمده هرمنوتیک، ایستادن مقابل سنت‌های پوزیتیویستی در علوم انسانی، برخلاف علوم طبیعی است که معتقد هستند با تبیین می‌توان به قطعیت در مطالعات رسید، سنت هرمنوتیک بر نامعین بودن همواره متن تأکید دارد (نادری، ۱۳۹۱: ۶۷).

گیرتز با به چالش کشیدن دیدگاه علی و تبیینی نسبت به فرهنگ و پدیده‌های اجتماعی، اصالت را بیش و پیش از آن که به صورت بدهد، به معنای نمادها می‌دهد و معتقد است که برای درک فرهنگ باید به سراغ محتوا رفت و نه شکل (همان: ۷۰). گیرتز روش‌های میدانی انسان‌شناسی را با رویکردهای هرمنوتیک و روش خاص خود تلفیق کرد و بدین ترتیب نه تنها روش‌های هرمنوتیکی را با دگرگونی قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو ساخت، بلکه کل پارادایم علوم اجتماعی و علوم انسانی را در حوزه روش‌شناختی دچار دگرگونی کرد (همان: ۷۹). نکته مهم در خصوص رویکرد تفسیری گیرتز این است که این رویکرد بسیار شبیه نشانه‌شناسی بارت است. در این رویکرد نیز همچون نشانه‌شناسی، گیرتز تنها به مشاهده دال‌ها اکتفا نمی‌کند و می‌خواهد به معنایی (مدلول واقعی) که در پشت این دال‌های ظاهری نهفته است دست یابد. بدین ترتیب گیرتز انسان‌شناسی را به سوی تمرکز بر معانی و انواع نظام‌های نمادین منتقل‌کننده آن‌ها هدایت و راهنمایی می‌کند (سالزمن، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

## ۵. توصیف عمیق<sup>۱</sup> و توصیف سطحی<sup>۲</sup>

حال باید به این پرسش پاسخ داد که گیرتز در رویکرد تفسیری خود چه روشی را برای رسیدن به معنای عمیق متون پیشنهاد می‌کند. راهی که گیرتز برای این فهم معنا پیشنهاد می‌کند از طریق **توصیف عمیق** پدیده‌های فرهنگی است. او مفاهیم "توصیف عمیق" و "توصیف سطحی" را از گیلبرت رایل<sup>۳</sup> وام می‌گیرد (گیرتز، ۱۹۷۳)؛ مفاهیمی که او برای تمایز گذاشتن بین معنای ظاهری و معنای واقعی از آن‌ها استفاده می‌کند. گیرتز برای این‌که نشان دهد که رفتارهای فرهنگی فراتر از آنچه دیده می‌شود دارای معانی ژرفی هستند، ما را دعوت می‌کند که نگاه عمیق‌تری به کردارهای فرهنگی داشته باشیم. او در مقاله تفسیر عمیق: به سوی نظریه تفسیری فرهنگ<sup>۴</sup> (۱۹۷۳) تأکید می‌کند که جوامع همچون زندگی آدمیان، حاوی تفسیر مردمان آن جوامع درباره خودشان هستند و آنچه مردم‌شناس باید انجام دهد این است که باید نحوه دسترسی به این تفاسیر را بیاموزد (گیرتز، ۱۹۷۳: ۴۵۳). روش او برای رسیدن به هدف، «توصیف عمیق» از رهگذر «توصیف سطحی» است. از نظر گیرتز توصیف سطحی، همان جمع‌آوری و ثبت داده‌های انسان‌شناختی از محیط و میدان محل مطالعه، یا مردم‌نگاری است (نادری، ۱۳۹۱: ۷۲). این توصیف‌ها می‌تواند بسیار دقیق، جامع یا خلاصه باشد. اما توصیف عمیق هنگامی صورت می‌گیرد که انسان‌شناس می‌خواهد «معنای» آن داده‌های تجربی حاصل از مشاهدات را دریابد. برای این کار نیز او ابتدا باید توصیفی سطحی از رفتارهای فرهنگی افراد مهیا کند؛ یعنی باید تمام داده‌های حاصل از مشاهدات مردم‌شناختی خود را آماده نماید و در پی آن به کشف معانی نهفته و عمیق این داده‌ها بپردازد. گیرتز اذعان دارد که توصیف‌های عمیق مردم‌نگار، تفاسیری هستند که برای خوانش و تفسیر نمادهای پنهان و ناخودآگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند. درواقع، این تفسیرها از نظر وی بر پایه تفاسیر مطلعین و افراد مورد مطالعه انجام می‌پذیرند و آنچه مردم‌نگار در توصیف عمیق انجام می‌دهد، فهم فهم‌های مطلعین و افراد بومی از آنچه خودشان انجام می‌دهند است (گیرتز، ۲۰۰۰ ب: ۱۵-۱۴ به نقل از نادری، ۱۳۹۱: ۷۳). از نظر گیرتز توصیف سطحی رفتارها فقط تصویری از حرکت فیزیکی به دست می‌دهد؛ در حالی که توصیف عمیق، معنای نیت‌مند افراد و هریک از انگیزه‌های آن‌ها برای رفتار فیزیکی‌شان را بیان می‌کند.

گیرتز برای توضیح روشن‌تر توصیف سطحی و عمیق به مثال گیلبرت رایل متوسل می‌شود، رایل برای توضیح "توصیف عمیق" مثال چشمک زدن را می‌آورد. او می‌گوید دو پسر بچه را در نظر بگیرید که پلک چشم راست خود را می‌بندند. در یکی، این تنها پریدن غیرعمدی پلک است و در دیگری علامتی توطئه‌ورزانه برای یک دوست. هردو به لحاظ فیزیکی یکسان هستند. اگر همچون یک دوربین به این حرکت نگاه کنیم، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که کدام پریدن پلک است و کدام چشمک؛ اما تفاوت موجود غیرقابل‌عکاسی است. تفاوت بین این دو حرکت پلک‌ها یک دنیاست. کسی که چشمک می‌زند در حال ارتباط با کسی دیگر است و درواقع در حال ارتباط به شیوه‌ای بسیار دقیق و خاص است و این کار را به کمک رمزهای عامی که بر سر آن توافق شده است انجام می‌دهد (گیرتز، ۱۹۷۳: ۶). بنابراین نمی‌توان چشمک زدن را نیز تنها عملی فیزیکی در نظر گرفت، بلکه معنایی در پشت این حرکت فیزیکی نهفته است. در اینجا، نکته دیگری نیز آشکار می‌شود که فهم عمل، مستلزم دانستن قراردادهای اجتماعی‌ای است که افراد با یکدیگر بر سر آن توافق کرده‌اند.

1 Thick description

2 Thin description

3 Gilbert Ryle

4 Thick Description : toward an interpretive theory of culture

نکته مهم از نظر گیرتز، این است که انسان‌شناسی، توصیف عمیق است (گیرتز، ۱۹۷۳: ۹-۱۰). انجام مردم‌نگاری در واقع شبیه تلاش برای خواندن یک متن است؛ متنی خارجی، مبهم، مملو از حذفیات به قرینه، عدم انسجام‌ها، اصلاحات مشکوک که به شکل گراف‌های قراردادی صوتی نوشته نشده‌اند، بلکه مثال‌هایی بارز از رفتارهای شکل‌یافته هستند (همان: ۱۰). به‌طور خلاصه، نوشته‌های انسان‌شناختی، خودشان تفسیر هستند و نوشته‌های درجه دوم و سوم محسوب می‌شوند و فقط خود افراد بومی هستند که روایت درجه اول را دارند، چراکه این فرهنگ آنهاست (همان: ۱۵).

مقاله انسان‌شناختی‌ای که کلیفورد گیرتز (۱۹۷۳) در مورد جنگ خروس‌ها با عنوان *بازی عمیق: نکاتی در مورد جنگ خروس‌های بالایی‌ها*<sup>۱</sup> که در کتاب *تفسیر فرهنگ‌ها*<sup>۲</sup> (۱۹۷۳) به چاپ رسانده است نمونه درخشانی برای نشان دادن دیدگاه هرمنوتیکی و روش‌های تفسیری اوست. او در این مقاله گزارشی مردم‌نگاشتی از حضور خود و همسرش در میان مردم بالی اندونزی و مراسم جنگ خروس‌ها ارائه می‌کند. گیرتز در این نوشته کاملاً روش تفسیری خود را به کار می‌گیرد تا نشان دهد که مردم بالی خودشان چه معنایی به این مراسم و آیین‌های مرتبط با آن می‌بخشند. او ابتدا شرح کاملی از تمام مراسم را با جزئیات فراوان و نحوه ارتباط مردم با او، اتفاقاتی که در طول دوره مشاهده و ثبت داده‌ها برای او و همسرش و سایر ساکنان آن منطقه رخ می‌دهد ارائه می‌کند. این همان بخش توصیف سطحی و مردم‌نگاشتی اوست. پس از این مرحله و ارائه توصیفی کامل از رویداد، او وارد مرحله اصلی یعنی تفسیر یا همان توصیف عمیق می‌شود. او در این مرحله توضیح می‌دهد که آنچه مهم است خود شرط‌بندی و مسائل مالی آن نیست، بلکه تغییر جایگاه اجتماعی افراد به واسطه بردو باخت در این جنگ و شرط‌بندی‌هاست. این مقاله نمونه‌ای از کاربرد روش تفسیری گیرتز و توضیح درباره این روش در قالب یک مثال عینی است.

## ۶. اهداف پژوهش

۱. تهیه توصیف دقیق و گزارش‌های نسبتاً کاملی از همه مسائل مربوط به مسابقات اسب‌دوانی در گنبدکاوس و حاشیه‌های آن
۲. بازنمایی معنای فرهنگی خاص ترکمن‌ها از مسابقات اسب‌دوانی
۳. تفسیر کارکردهای اجتماعی منتج از این مسابقات

## ۷. پیشینه پژوهش

**ادرین وجوناتان**<sup>۳</sup> (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «تبدیل شرط‌بندی ورزشی به بخت‌آزمایی سریع و مستمر: بررسی نظری ریشه‌دار شرط‌بندی ورزشی مسئله‌دار در موقعیت‌های آنلاین» دریافتند که توجه‌ها باید به سمت خلق مکانیسم‌هایی جهت کاهش الگوهای شرط‌بندی ورزشی آنلاین مستمر معطوف باشد و این کار با بالابردن وقفه در بازی در ساختار فعالیت و از طریق توانمندساختن مشتریان برای محدودکردن ویژگی‌های مرتبط با بازی نابسامان مثل شرط‌بندی زنده امکان‌پذیر است.

**علیوردی نیا و همکاران** (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «تبیین شرط بندی ورزشی دانشجویان دانشگاه رشت از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی ایکنرز» مشخص شده است که میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های شرط‌بندی و میزان تمایل به چنین

1 Deep Play: Notes on Balinese Cockfight

2 The interpretation of Cultures

3 Adrienne and Jonathan



فعالیت‌هایی در بستری اجتماعی صورت می‌گیرد و تغییر چنین الگوی رفتاری منبعث از محیط اجتماعی در وهله اول نیازمند الگوسازی فرهنگی مناسب و در وهله دوم برنامه‌های پیشگیرانه حمایتی برای گروه‌های هدف است.

**قجقی نژاد و رحیمی (۱۳۹۱)**، در مقاله‌ی ارائه شده در اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین، با عنوان « **آئین سوارکاری سنتی مردم ترکمن از دیدگاه گردشگری فرهنگی**»، بیان داشته‌اند که در آئین سوارکاری سنتی در فرهنگ مردم ترکمن که از آئین‌ها و سنن کهن این اقوام به‌شمار می‌رود، در مراسم رسمی جشن آق قوین<sup>۱</sup> جشن ختنه‌سوران برگزار می‌شود. در حاشیه این آئین، مراسم دیگری نیز برگزار می‌شود که زیبایی و جذابیت آن را دوچندان می‌کند. پوشیدن پوشاک سنتی از سوی سوارکاران که یادآور دوران کوچ و پیش از یک‌جانشینی اقوام ترکمن است از ویژگی‌های فرهنگی این آیین به‌شمار می‌رود. در این مراسم از مالکان اسب و سوارکاران از سوی میزبان دعوت به‌عمل می‌آید و در مکانی در حاشیه روستا اسب‌ها به رقابت می‌پردازند. آن‌ها با برپایی آلاچیق و پختن غذاهای سنتی فضائی ایجاد می‌کنند که یادآور شیوه و سبک زندگی پیش از یک‌جانشینی است. پوشاک خوراک مسکن و شیوه مسابقه در این آئین به دلیل خاص بودن جاذبه فرهنگی ایجاد می‌کند. این پژوهش می‌کوشد ضمن برشمردن ویژگی‌های برجسته فرهنگی اقوام ترکمن در برپایی این آیین از دیدگاه مردم‌شناسی گردشگری به مطالعه عناصر فرهنگی‌ای که موجبات جذب گردشگر را فراهم می‌سازد بپردازد.

**امین‌بیدختی، برزگر و نیرومند (۱۳۹۳)** در مقاله ارائه شده در دومین همایش ملی بیابان با رویکرد مدیریت مناطق خشک و کویری، با عنوان « **بررسی عوامل مؤثر بر رضایت و بازگشت مجدد گردشگران ورزشی (مطالعه موردی: مسابقات کورس سوارکاری ترکمن صحرا)**»، به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت و بازگشت مجدد گردشگران ورزشی در مسابقات کورس سوارکاری ترکمن صحرا می‌پردازند. جامعه آماری تحقیق شامل گردشگران منطقه ترکمن صحرا است که از مسابقات کورس سوارکاری در شهر گنبد کاووس دیدن کرده‌اند. نمونه آماری نیز شامل ۳۸۴ نفر از این افراد می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است که قابلیت اعتبار آن با استفاده از روش روایی محتوا و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که کیفیت گردشگری ورزشی بر رضایت گردشگران ورزشی تأثیرگذار است. همچنین رضایت نیز بر بازگشت مجدد گردشگران ورزشی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**بیرامی ایگدر و جلالی فراهانی (۱۳۹۴)**، در مقاله چاپ شده در مجله مطالعات مدیریت ورزشی، با عنوان « **مقایسه مؤلفه‌های رفتار شهروندی تماشاگران لیگ برتر والیبال با کورس سوارکاری**»، به بررسی و مقایسه بروز مؤلفه‌های رفتار شهروندی در باشگاه‌های والیبال و سوارکاری از دیدگاه تماشاگران لیگ برتر والیبال و مسابقات ملی کورس اسب‌دوانی گنبد کاووس پرداخته‌اند. روش این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بوده و جامعه آماری را تمامی تماشاگران بالای ۱۸ سال که جهت تماشای رویدادهای بزرگ ورزشی در اماکن ورزشی شهرستان گنبد حضور پیدا می‌کنند تشکیل داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در بروز مؤلفه‌های تماشاگران در دو باشگاه سوارکاری (خصوصی) و والیبال (دولتی) وجود دارد.

**فرجی (۱۳۹۱)**، در پایان‌نامه خود به راهنمایی دکتر رحیم‌پور با عنوان « **نقش مسابقات سوارکاری در توریسم ورزشی گنبد کاووس (مجموعه سوارکاری گنبد)**»، می‌نویسد: از طریق برگزاری مسابقات سوارکاری با در نظر گرفتن عوامل جذب‌کننده گردشگر می‌توان به گسترش هرچه بیشتر ورزش و پیشرفت منطقه پرداخت و این یکی از موثرترین روش‌ها برای جلب گردشگر می‌باشد. ورزش‌هایی که سنت یک منطقه محسوب می‌شوند می‌توانند جلب‌کننده گردشگر باشند، در کشور ما نیز مناطقی مانند گنبدکاووس،

به‌عنوان پایتخت اسب ایران شناخته شده است که با توجه به توانمندی که در ورزش سنتی سوارکاری و کورس‌های پاییزه و بهاره می‌تواند سهم عمده‌ای در توسعه گردشگری ورزشی ایفا کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین توانمندی استان در برگزاری مسابقات اسبدوانی و توسعه گردشگری ورزشی؛ بین مسابقات سوارکاری و افزایش درآمد و اشتغال مردم منطقه و همچنین بین برگزاری مسابقات سوارکاری و افزایش امکانات تفریحی و ورزشی منطقه رابطه معنی داری وجود دارد و مسابقات سوارکاری می‌تواند باعث گسترش گردشگری ورزشی شود.

## ۸. مردم‌نگاری سوارکاری ترکمن‌ها

با توجه به مطالب مفصلی که درباره دیدگاه گیرتر و انسان‌شناسی تفسیری گفته شد، برای پرداختن به موضوع سوارکاری ترکمن‌ها گام به‌گام از روش انسان‌شناسی تفسیری استفاده می‌کنیم و برای فهم بهتر، نخست از توصیف سطحی بهره می‌گیریم که همه اجزای تجربی رفتارهای اجتماعی را از طریق مشاهده و ثبت داده‌ها جمع‌آوری می‌کند. در مرحله دوم، توصیف عمیق را به‌کار می‌گیریم که فرایند تفسیر معناست.

## ۹. توصیف سطحی

گزارش زیر، شامل توصیف سطحی مسابقات سوارکاری در شهرستان گنبد کاووس است که حاصل حضور هدفمند و مداوم پژوهشگر میدانی در یک دوره کامل برگزاری مسابقات در این شهر است. نکته مهم درباره پژوهشگر میدانی، سال‌ها سکونت او در این شهر است که وی را به یکی از مطلعین کدهای عام این مسابقات تبدیل کرده است.

تمامی رویدادهای مشاهده‌شده در مسابقات، خصوصاً موارد مربوط به شرطبندی افراد روی اسب‌ها با وجود مسکوت ماندن این اطلاعات برای افراد غریبه و مشکوک توسط افرادی که در شرطبندی شرکت می‌کنند و عوامل برگزاری شرطبندی‌ها، در پاتوق‌های مخصوص این افراد و با کمک یکی از کمک مربی‌ها به‌عنوان رابط انجام شده است. دانستن قوانین شرطبندی، زمان و مکان شرطبندی، اطلاعات درباره اسب‌ها و هزینه نگهداری آنها و اطلاع از محل‌های اصلی شرطبندی از مواردی است که دستیابی به آن برای غریبه‌ها بسیار زمان‌بر و در مواردی ناممکن به‌نظر می‌رسد. استفاده از یکی از کمک مربی‌ها به‌عنوان تسهیلگر ورود به میدان، برای مشاهده و تدوین توصیف سطحی کمک شایانی به برداشت میدانی کرده است.

مسابقات سوارکاری در مناطق ترکمن صحرا یکی از رویدادهایی است که سالانه در دو مرحله کورس‌های بهاره و پاییزه در شهرهای مختلف استان گلستان برگزار می‌شود. این رویداد به‌دلیل اهمیت اسب در فرهنگ ترکمن‌ها از ارزش بسیار بالایی برای مردمان این منطقه که عموماً ترکمن هستند برخوردار است. ترکمن‌ها را بر اساس شرایط زیست‌محیطی‌شان به‌عنوان مردمانی کشاورز مزین به هنر بافندگی و دارای پیوندی ناگسستنی با اسب می‌شناسند (کاظمی و سعید، ۱۳۹۰: ۳۶). اهمیت اسب در موسیقی آنها نیز بازتاب یافته و آهنگی به نام آت‌چاپان<sup>۱</sup> دارند که تداعی‌کننده صدای سم اسب است (همان: ۶۷). اسب در میان ترکمن‌ها در کنار شتر از تقدس نیز برخوردار است و معتقدند که طبق گفته پیامبر اسلام (ص) بر پیشانی اسب تا روز قیامت برکت وجود دارد. اصولاً اسب به‌عنوان حیوانی نجیب نزد ترکمن‌ها اهمیت زیادی دارد و با فرهنگ و زندگی آنها عجین شده است و در جای‌جای فرهنگ ترکمن‌ها می‌توان نشانه‌های آن‌را مشاهده کرد. یکی از رویدادهای مرتبط با اسب در این منطقه مسابقات سوارکاری یا

اسب‌دوانی (آت‌چاقی به زبان ترکمنی) است که به‌صورت هفتگی و معمولاً در روزهای جمعه برگزار می‌شود. اما مسائل و حاشیه‌های آن فقط به این دو روز محدود نیست، بلکه می‌توان مدعی شد که فصل‌هایی که مسابقات کورس برگزار می‌شود در تمام طول هفته علاقه‌مندان به این مسابقات با حواشی و مسائل آن به‌نوعی درگیر هستند. در واقع از همان روزی که اسامی اسب‌های شرکت‌کننده و برنامه مسابقات و مسافت‌هایی که باید طی شوند، به‌صورت دفترچه‌هایی رنگین در سطح شهر فروخته می‌شود، هیجان این رویداد نیز شروع می‌شود.

تصویر ۱. نمونه‌ای از برنامه مسابقات یک کورس

افراد در مکان‌های مشخصی دور هم جمع می‌شوند تا در مورد اسب‌ها با هم مشورت و صحبت کنند. با مراجعه به یکی از این جمع‌ها، می‌توان شوق افراد علاقه‌مند را در چشم‌های آنها و هیجان را در صحبت‌هایشان مشاهده کرد. صداهای گاه مبهم و بلند، مذاکرات افراد با یکدیگر، اطلاعاتی که رد و بدل می‌شود، رویدادهایی هستند که در طول هفته معمولاً عصرها در پاتوق‌هایی خاص برگزار می‌شود. این پاتوق‌ها معمولاً جنبه‌ای غیرقانونی دارد و به گفته برخی افراد گاه پلیس نیز به آنجا سر می‌زند، چراکه در این مکان‌ها شرط‌بندی نیز انجام می‌شود. به‌جز این پاتوق‌ها نیز مردم در طول هفته در لابه‌لای کارهایشان به این موضوع می‌پردازند. آنها در مورد اسب‌های برنده هفته گذشته، فصل‌های گذشته و تقلب‌های صورت‌گرفته صحبت و برخی نیز از برنده شدن اسب‌های مورد علاقه‌شان ابراز خوشحالی می‌کنند.

رویداد اصلی در روز جمعه برگزار می‌شود. اما قبل از آن در روزهای پنج‌شنبه نیز در میدان سوارکاری رویدادهایی غیررسمی جریان دارد؛ از جمله دیدار با مربیان و چابک‌سواران اسب‌ها. در واقع در اینجا بیشتر افراد حرفه‌ای علاقه‌مند به دیدن اسب‌ها به دیدار مربیان و چابک‌سواران می‌روند و با آنها در مورد اسب‌ها صحبت و با افراد حرفه‌ای مذاکره می‌کنند و درعین حال به دیدن مسابقات تمرینی اسب‌ها نیز می‌روند تا از وضعیت تمامی اسب‌ها باخبر شوند. بامداد برخی روزها نیز مراسمی با عنوان دارم<sup>۲</sup> برگزار می‌شود که

۱ در برخی سال‌ها این مسابقات در عصر پنج‌شنبه‌ها برگزار می‌شد که دوباره در روزهای جمعه بعدازظهر برگزار می‌شود.

اسب‌ها را برای تیزرانی (دویدن اسب با سرعت بالا و در شرایط مسابقه) به میدان سوارکاری می‌برند. در میدان سوارکاری چادرهای فراوانی را می‌توان مشاهده کرد که برای استفادهٔ چابک‌سوران (آت‌اوغلوها<sup>۱</sup>) و مربیان (ثیث‌ها<sup>۲</sup>) و نگهداری وسایل مورد نیاز اسب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. استخر بزرگی که برای آب‌تنی اسب‌ها در نظر گرفته شده است نیز در گوشه‌ای از میدان قرار دارد.



## تصویر ۲. چادرها و محل زیست چابکسوران و مربیان و اصطبل نگهداری اسب‌ها

مراسم دیگری که در روز پنج‌شنبه برگزار می‌شود، حراجی نام دارد که بیشتر شرط‌بندها دور هم جمع می‌شوند و اسب‌ها در میان آنها به حراجی و مزایده گذاشته می‌شوند. در واقع این اسب‌ها به فروش نمی‌روند، بلکه هرکس برای شرط‌بندی قیمت بالاتری را پیشنهاد دهد امتیاز برنده شدن آن اسب برای او در نظر گرفته می‌شود. این مراسم از جمله مراسم غیرقانونی است و مسئولان سوارکاری و پلیس معمولاً با انجام آن مخالف هستند. اما رسمی است که همیشه برقرار است و همیشه نیز برگزار می‌شود (تصویر شماره ۳).

شامگاه پنج‌شنبه این مراسم نیز به پایان می‌رسد و روز موعود یعنی جمعه فرا می‌رسد. البته در روز مسابقه نیز در گوشه‌وکنار میدان می‌توان شاهد حراجی‌هایی بود. از بعد از نمازظهر صف‌های طولانی خودروهایی که به طرف میدان سوارکاری واقع در خارج شهر سرازیر می‌شوند، خیابان فرودگاه را با بار ترافیکی عظیمی مواجه می‌کند. میدان سوارکاری تقریباً پنج کیلومتر با شهر فاصله دارد. البته امروزه این میدان به‌واسطهٔ ساخت‌وسازهای فراوان به بخشی از شهر تبدیل شده است. محل فروش بلیت‌ها نیز بسیار پراذحام است. افراد برای تهیهٔ بلیت در صفوف طولانی، اما منظم ایستاده‌اند. پس از خرید بلیت دوباره سوار بر خودروها می‌شوند و فاصلهٔ طولانی‌ای را از در ورودی تا میدان سوارکاری اصلی طی می‌کنند.

1 At Oghlon  
2 theyth



تصویر ۳. بخشی از مراسم حراجی

مسابقات معمولاً در شش یا هفت کورس برگزار می‌شوند. معمولاً در هر کورس شش تا ده اسب شرکت می‌کنند. از حدود ساعت دو عصر مسابقات شروع می‌شود. افراد در این میان به دیدار اسب‌ها در کنار چادرها و اصطبل‌ها یا محل بخوی آن‌ها می‌روند تا از آخرین وضعیت اسب‌ها آگاه شوند و بتوانند در مسابقات پیش‌بینی شرکت و بهترین اسب را انتخاب کنند. قبل از شروع هر کورس مربیان و چابک‌سواران اسب‌ها را برای رژه و رؤیت آنها توسط مردم به میدان مستطیل‌شکلی به نام مانژ<sup>۱</sup> (که واژه‌ای است فرانسوی) می‌آورند. در آن‌جا اسب‌ها به ترتیب شماره و به نوبت وارد میدان می‌شوند. پس از آن افراد فرصتی پیدا می‌کنند که به باجه‌های پیش‌بینی قانونی که توسط فدراسیون در نظر گرفته شده است مراجعه کنند و از میزان جایزه تعیین‌شده برای برنده شدن هر اسب آگاهی یابند تا بتوانند بر روی اسبی که بخت برنده شدن بیشتری دارد شرط‌بندی کنند.

این بخش قانونی ماجراست. آنچه در گوشه و کنار این میدان دیده می‌شود، شرط‌بندی‌های غیرقانونی افراد حرفه‌ای است که مردم بیشتر به آنها مراجعه می‌کنند تا سودهای کلان‌تری نصیبشان شود. شرط‌بندی‌های غیرقانونی راه‌ورسم و عرف خاص و اصطلاحات و منش‌های ویژه خود را دارد. این افراد شرط‌بند‌های بسیار معروفی هستند که مردم به آنها اعتماد بسیار فراوانی دارند و به راحتی و بدون هیچ سندی تنها به یادداشت فرد شرط‌بند اکتفا می‌کنند. بعضی نیز قبض‌ها و رسیدهای دست‌نوشته‌ای را صادر می‌کنند که اعتبار آنها شاید از چک بانکی نیز بیشتر است. این امر حاکی از اعتماد بسیار بالای افراد در این مسابقات است. البته طبق گفته برخی افراد، شرط‌بند‌هایی نیز بوده‌اند که پول‌های هنگفتی را متضرر شده و متواری شده‌اند، اما بعد از یکی دو سال بازگشته‌اند و پول مردم را به آنها داده‌اند. در این میان تنها سند برای شرط‌بندان برگه‌های دست‌نوشته‌ای است که از این افراد دریافت می‌کنند.

در کنار شرط‌بندی روی اسب‌ها، افراد بسیار زیادی را می‌توان دید که به قماربازی بر روی چیزهای دیگر مانند تاس مشغول‌اند و هرکسی به نوعی در حال شرط‌بندی است. در این بین نباید فراموش کنیم که سیاست‌های بسیار زیادی به کار گرفته می‌شود که بر نتیجه بردو باخت‌ها و همچنین نتیجه شرط‌بندی‌ها تأثیر می‌گذارد. برای مثال کشیدن اسب یکی از این راهکارها است. در این کار به چابک‌سوار یا مربی اسبی که بخت بالایی برای برنده شدن دارد رشوه‌ای بسیار بیشتر از جایزه‌ای که در صورت برنده شدن کسب می‌کند، پرداخته می‌شود تا چابک‌سوار، خود یا به دستور مربی‌اش در جایی از مسابقه مانع از پیشتازی اسبش شود. این کار به صورت فیزیکی و با ظرافت خاصی با کشیدن افسار اسب انجام می‌شود و به این طریق نتایج تمام پیش‌بینی‌ها را بر هم می‌زند. اگر این کار یعنی کشیدن اسب‌ها صورت گرفته باشد و یا مردم مشکوک به انجام آن باشند از اصطلاح "برنامه" استفاده می‌کنند. یعنی برای این

باخت برنامه‌ریزی شده است. برای مثال، می‌گویند این اسب برنامه بود. در صورت محرز شدن تقلب و کشیده شدن اسب‌ها جریمه‌های بسیار سنگینی برای صاحب، مربی و به‌خصوص چابک‌سوار، همچون محرومیت‌های طولانی‌مدت و جریمه‌های نقدی در نظر گرفته می‌شود.

در آن‌سوی ماجرا صاحبان اسب‌ها هستند که به داشتن اسب افتخار می‌کنند و چنان علاقه‌ای به اسب‌های خود دارند که بیشتر اوقات فصل مسابقه را در کنار اسب‌های خود می‌گذرانند و معمولاً عصرها پس از فراغت از کار به دیدار اسب خود می‌روند. این افراد، معمولاً افراد ثروتمندی هستند که توانایی مالی برای پرداخت هزینه‌های بسیار بالای نگهداری اسب‌ها را دارند، چراکه نگهداری اسب و سواری از ورزش‌های بسیار تجملی محسوب می‌شود، اما لذتی که آنها از داشتن اسب دارند قابل‌وصف نیست. برخی از این افراد دارای چندین اسب هستند. آنها در دو صحنه ظاهر می‌شوند، یکی به‌عنوان صاحب و دیگر به‌عنوان شرط‌بند. اما شما کمتر می‌توانید آنها را در میان شرط‌بندها مشاهده کنید. معمولاً افرادی هستند که این کار را برای آنها انجام می‌دهند و یا در محفل‌های صمیمی شرط‌بندی انجام می‌شود و صاحبان اسب در جایگاه‌های ویژه تنها نظاره‌گر هستند و اگر اسبشان در مسابقه برنده شود برای گرفتن عکس یادگاری به میدان مسابقه وارد می‌شوند.

کل مسابقه یک کورس تنها شصت تا نود ثانیه طول می‌کشد. سرعت اسب‌ها بسیار بالاست و هیجان را می‌توان در چهره تمام افراد مشاهده کرد. صدای گزارشگران و توصیف‌ها و استعاره‌هایی که آنها برای اسب‌ها، چابک‌سوران، مربیان و در نهایت صاحبان اسب‌ها به کار می‌برند دائماً به هیجان مسابقات می‌افزاید. ممانعت اسب‌ها برای قرار گرفتن در داخل دروازه شروع<sup>۱</sup> که در ایران به آن دپار<sup>۲</sup> گفته می‌شود تماشاگران را آزار می‌دهد. گاهی صدای اعتراض تماشاگران از این کار بلند می‌شود. اسب‌ها گاهی علاقه‌ای برای رفتن به داخل دپار ندارند. اما در نهایت تمام اسب‌ها درون دپار جای می‌گیرند. مسابقه با اجازه استارتر شروع می‌شود. کورس حداکثر در نود ثانیه به پایان می‌رسد و در این مدت هیجان به اوج خود می‌رسد. در پایان هر کورس برخی با چهره‌ای خندان به طرف باجه‌های شرط‌بندی و افراد شرط‌بند برای دریافت جایزه خود روانه می‌شوند و آن عده کثیری که پیش‌بینی آنها اشتباه بوده است برای امتحان بخت خود در کورس‌های بعدی به طرف مانژ و شرط‌بندها می‌روند. البته بسیاری نیز به طرف اسب‌های برنده می‌روند تا با اسب‌های که ردای پیروزی را بر روی آنها انداخته‌اند عکس‌های یادگاری بگیرند. اینجاست که می‌توان خیل عکاسان را دید که از مردم در کنار اسب‌ها در حال عکاسی و تبدیل این لحظات به خاطرات هستند. مالکان اسب‌ها که گویی خود در مسابقه شرکت کرده‌اند وارد میدان می‌شوند و با تبختری خاص عکس می‌گیرند و این لحظات به یادماندنی را ثبت می‌کنند. دیدن چهره‌های پرغرور آنها تماشایی است. مرتب برای مردم دست تکان می‌دهند و از آنها برای تشویقشان تشکر می‌کنند. هم‌ذات‌پنداری آنها با اسب‌هایشان وصف‌ناپذیر است. چنان در برابر دوربین سربرافرشته عکس می‌گیرند که گویی جهان را فتح کرده‌اند.

1 Saring stalls  
2 depar





تصویر ۴. صحنه‌ای از گرفتن عکس یادگاری مالکان اسب‌های برنده



تصویر ۵. هجوم افراد برنده به سوی باجه‌های پیش‌بینی و شرط‌بندها و چهره مغبون افراد بازنده



تصویر ۶. خوشحالی مالکان اسب‌های برنده و عکاسانی که مشغول عکاسی از آن‌ها هستند

## ۱۰. توصیف عمیق

آن‌چنان‌که اشاره شد گیرتر معتقد است که وظیفه مردم‌شناس تنها جمع‌آوری داده‌های مردم‌نگارانه و ارائه آنها نیست، بلکه باید توصیفی عمیق از این داده‌ها را فراهم سازد تا مخاطب به معنایی که امور فرهنگی برای افراد صاحب آن فرهنگ دارد پی ببرد. این توصیف عمیق آن‌چنان‌که گیرتر معتقد است بنیانی علمی ندارد، بلکه تنها حدسیات و استخراج بهترین تفسیر از این حدسیات است که مبتنی بر برداشت‌های شخصی مردم‌شناس است. هاولز و نگرپروس آن را به علم هرمنوتیک که پایه و اساس آن بر تفسیر و تأویل بنا شده است ربط می‌دهند و تفسیر فرهنگ‌ها را به‌نوعی علم هرمنوتیک می‌دانند که می‌توان تمامی اشکال نمادین از جمله تصاویر را براساس آن تفسیر کرد و به کشف معانی نهفته رسید. این تفسیر همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد خالی از نقصان نخواهد بود و می‌توان توصیف‌های عمیق و تفاسیر بدیلی را برای آنها ارائه داد.

بنابراین تفاسیر ارائه شده ما در مورد سوارکاری نیز، حقیقت مطلق نخواهد بود و تنها برداشت و تفسیر نگارندگان از این مسابقات است که ممکن است کامل یا ناقص، درست یا اشتباه باشد، اما این نسبی بودن نباید ما را از تفسیر بازدارد. درعین‌حال به قول هاولز در عین اینکه ما باید اعتماد به نفس ارائه تفسیر را در خود ایجاد کنیم، باید تواضع پذیرش اشتباه‌مان را نیز داشته باشیم. آنچه می‌توان در مورد این مسابقات و مسائل پیرامون آن ورای وجه ظاهری و جنبه رقابتی آن مطرح کرد این است که این مسابقات دارای کارکردهای اجتماعی خاصی برای افرادی است که در مسابقات سوارکاری حاضر می‌شوند؛ جنبه‌هایی کارکردی که بر چند محور استوار است: خود مسابقات و شرطی‌بندی‌های موجود در آن.

جنبه اول کارکردی است که مستقیماً بر رقابت بین مالکان اسب‌ها توجه دارد. آنچه در مورد مالکان اسب‌های مطرح است، ایجاد منزلت فردی و اجتماعی برای آنها در نتیجه این مسابقات است. گویی این اسب‌ها امتداد شخصیت وجودی آنهاست و اسب‌ها نمادی از خود آنها در میدان مسابقه هستند. این رقابت‌ها در واقع رقابت بین اسب‌ها نیست، بلکه رقابت مالکان آنها با یکدیگر برای کسب مقام و پایگاه است. با نگاهی تاریخی به گذشته قوم ترکمن می‌توان مدعی شد که ترکمن‌ها اقوامی بسیار جنگجو و قلمروطلب بوده و دائماً با دیگر اقوام و دیگر طایفه‌های ترکمن به‌صورت تن‌به‌تن برای کسب قدرت و بالطبع جایگاه اجتماعی در جنگ و رقابت بوده‌اند. تاریخ ترکمن‌ها نشان می‌دهد که از قدیم برای مردان ترکمن جنگ و رقابت با دیگران به‌وسیله اسب محوریت داشته و شخص قهرمان دارای جایگاه والایی بوده است. با اینکه اسب در این مسابقات قهرمان می‌شود، اما مقام از آن مالک اوست. بنابراین صاحب اسب به خود می‌بالد که دارنده چنین اسبی است و همیشه در بین اعضای این قوم از ارج و مرتبه والایی برخوردار است. در واقع مسابقات، رقابتی است بین مالکان اسب‌ها تا در نگاه دیگران به‌عنوان دارنده اسب برنده، از شأن و منزلت برخوردار شوند. این امر آن‌قدر برای مرد ترکمن اهمیت دارد که هزینه‌های فراوانی می‌کند تا همیشه اسبش سرزنده و غبراق و در مسابقه برنده باشد. میزان جوایز نقدی در برابر هزینه نگهداری از اسب‌ها آن‌قدر زیاد نیست که بتواند تمام هزینه‌ها را پوشش دهد، با این توضیح که جوایز نقدی نیز بین مالکان، مربیان و چابک‌سوران با نسبت‌های خاصی تقسیم می‌شود. سوارکاری در واقع رقابت مالکان اسب‌هاست، مالکانی که دیگر خود قادر نیستند با یکدیگر مبارزه کنند، بدین ترتیب اسب‌ها را به این کار وامی‌دارند. نگاه آنها به اسب نگاهی خودمحورانه است. گویی اسب‌ها خود اجتماعی افراد را بازنمایی می‌کنند، چراکه آرایش‌ها و وسائل زینتی که برای آنها استفاده می‌شود، نام‌هایی که برای آنها انتخاب می‌شود همگی خاص و متمایز هستند و با برنده شدن اسب گویی خود مالک برنده شده است و در بین قوم خود منزلتی کسب کرده‌اند. اما منزلتی که به قول گیرتر فیزیکی و واقعی نیست و جایگاه واقعی کسی در این میان در دنیای واقعی تغییر نمی‌کند و بیشتر کارکردی نمادین دارد. اسب توسعه شخصیت خود آنهاست. میدان سوارکاری درواقع به صحنه جنگ نمادینی برای مالکان اسب‌ها تبدیل می‌شود. همذات‌پنداری شدید این افراد با اسب‌هایشان مثال‌زدنی است. آنها هنگام برنده



شدن چنان ابراز خوشحالی می‌کنند که گویی خود در میدان تاخته‌اند و در هنگام باخت نیز ناراحتی‌شان بی‌اندازه است. زمان بسیار زیادی که برای نگه‌داری اسب‌ها صرف می‌کنند، نمی‌تواند تنها حاکی از پرداختن به مسابقه‌ای صرف باشد. اسب برای مالک مانند حیوانات دیگر نیست. اسب برای او امتداد خود اوست، حیوانی که برای او شهرت و مقام کسب می‌کند. حال که خود نمی‌تواند مبارزه کند با اسب‌هایش مبارزه می‌کند و اسب برای او نقشی گنایی و نمادین دارد.

در سطح بعد می‌توان این مسابقات را از دید افرادی که اغلب برای شرط‌بندی در میدان سوارکاری حاضر می‌شوند و معنایی که این موضوع برای آنها دارد نگریست. با چند هفته حضور در میادین مسابقات، می‌توان به این موضوع پی برد که این افراد در تمام طول فصل در مسابقات حضور دارند و کمی حافظه دیداری لازم است تا چهره‌های آنها به یاد آورید. این افراد تنها برای شرط‌بندی به این مسابقات می‌آیند. اما مقصود آنها از این شرط‌بندی تنها مقاصد مالی نیست. گرچه ممکن است برای بسیاری نیز تنها مقاصد مالی مطرح باشد. اما مقاصد مالی تنها ظاهر قضیه است. معنای نهفته این شرط‌بندی‌ها برای آنها کسب جایگاه اجتماعی به‌عنوان فرد مرجع و متخصص به‌واسطه پیش‌بینی درست و تشخیص اسب برنده است. آنها با برنده شدن در پیش‌بینی‌ها نزد افراد دیگر به‌عنوان افراد جسور و درعین‌حال متخصص شناخته می‌شوند. در میان این افراد شرط‌بند می‌توانید افرادی را مشاهده کنید که مردم به آنها برای گرفتن مشاوره و تصمیم‌گیری درمورد اسبی که خواهان شرط‌بندی روی آن هستند، رجوع می‌کنند. قدرت تشخیص ویژگی‌های اسب برتر و به‌تبع آن برنده شدن اسب‌های پیشنهادی آنها، برای‌شان به کسب شهرت می‌انجامد و در سطح شهری سستی برای آنها جایگاهی اجتماعی به ارمغان می‌آورد و همه از چنین فردی به‌عنوان فرد متخصص در این حوزه یاد می‌کنند. بنابراین شرط‌بندی و قدرت پیش‌بینی برای این افراد، در کنار مسائل مالی، ابزاری است نمادین برای ابراز تخصص و مرجعیت. صحبت‌ها و برخوردهای جدی آنها نشان‌دهنده چنین وضعیت حساسی است. آن‌ها به‌گونه‌ای پاسخ افراد را می‌دهند که گویی نباید وقت‌شان را تلف کنند؛ جملاتی کوتاه و مملو از بی‌حوصلگی. حال ممکن است این افراد در زندگی روزمره خود چنین جایگاهی نداشته و حتی تخصص یا حرفه مشخصی نداشته باشند. اما عرصه شرط‌بندی به آنها چنین جایگاهی بخشیده است و آنها به دنبال حفظ این ابزار هویت‌بخش نمادین را برای خود هستند. آنها بازمانده همان مردان ترکمنی هستند که سال‌های نه‌چندان دور شهرت و اعتبار و جایگاه اجتماعی خود را در صحرا با رام کردن و تربیت اسب و برنده شدن در مسابقات سوارکاری بین قبیله خود کسب می‌کردند و به مردانگی و غیرت مشهور بودند. آنها قهرمان قبیله خود بودند و به آن می‌بالیدند. اما با مدرن شدن جامعه و کم شدن اهمیت اسب به‌عنوان حیوانی کاربردی که در همه عرصه‌ها همچون کشاورزی و جنگ یاور آنها بود و با تجملی شدن کارکرد اسب و عدم بضاعت مالی برای پرداخت هزینه‌های آن، با شرط‌بندی بر روی اسب می‌خواهند جایگاهی برای خود را به‌دست آورند. میدان مسابقه نمادین برای تأیید اعتبار آنها به کمک‌شان می‌آید؛ اکنون که قدرت مالی نگه‌داری اسب را ندارند پیش‌بینی‌های آنها همچون اسب برایشان عمل می‌کند. گویی با انتخاب آن اسب خود را در داشتن آن اسب سهیم می‌دانند.

نکته دیگر در این شرط‌بندی‌ها هم جنبه منزلتی دارد و هم جنبه آموزشی. همانطور که گفته شد در این شرط‌بندی‌ها به‌ندرت سندی رسمی دال بر پول پرداخته‌شده به کسی ارائه می‌شود و اگر هم ارائه شود سند رسمی و معتبری نیست. اما آنها به‌صورت غیررسمی و نادانسته می‌آموزند که باید به عهد خود وفا کنند و پول را به برنده پرداخت کنند. آنها در این شرط‌بندی‌ها قانون‌مداری، صداقت و درستکاری را می‌آموزند و می‌آموزند که نیازی نیست اعمال قدرتی باشد تا به قول خود وفا کنند. آنها باید در قبال باخت خود پول را بپردازند، چراکه اگر این کار را نکنند نزد دیگران اعتبار اجتماعی خود را از دست خواهند داد. در این بین یاد می‌گیرند که چطور اعتبار خود را حفظ کنند، و در غیر این صورت سوءشهرت پیدا خواهند کرد که این خود عواقب اجتماعی فراوانی به‌دنبال خواهد داشت. در واقع شرط‌بندی مانند صحنه تئاتری عمل می‌کند که در آن به نتیجه اعمال ناپسند اشاره می‌شود. این کارکرد آموزشی

شرطبندی بسیار مهم است، جوانانی که در این مسابقات شرکت می‌کنند از طریق همین شرطبندی‌ها (حال چه قانونی و چه غیرقانونی، چه حلال و چه حرام) می‌آموزند که باید در عرصه زندگی صادق باشند و این کارکردی است که ما در دنیای مدرن از طریق داستان، رمان و نمایش‌نامه قصد آموختن آنها را به فرزندان خود داریم و به نوعی جامعه‌پذیری را به آنها می‌آموزیم. آنچنان‌که توضیح داده شد این افراد به‌ندرت سندی در دست دارند اما در هنگام باخت به‌راحتی آن را می‌پذیرند. آموزش قانون‌مداری در این مرحله رخ نشان می‌دهد. درعین‌حال نیز پای منزلت و پایگاه اجتماعی در میان است. اگر فردی در این شرطبندی‌ها پول نپردازد مطمئناً به‌عنوان فردی کلاهبردار و متقلب معرفی خواهد شد و پایگاه اجتماعی خود را در میان این افراد از دست خواهد داد و این همان مکفاتی است که در پی عدم تبعیت از قواعد بازی گرفتار آن می‌شود. گرچه این شرطبندی‌ها غیرقانونی هستند، اما درس قانون‌مندی و تبعیت از قوانین را به‌صورت نانوشته به افراد می‌آموزند و این امر کارکردی اجتماعی دارد؛ اعتمادسازی در جامعه را پی دارد و در حیات اجتماعی افراد تأثیرگذار است.

مفهوم دیگر مطرح در این شرطبندی‌ها آزمون و اثبات همبستگی قومی و بالطبع همبستگی اجتماعی است. با نگاه به ساختار قومی ترکمن‌ها و گذشته آنها، این نکته آشکار می‌شود که ترکمن‌ها قومی هستند شامل چندین طایفه و زیرطایفه و در قدیم این طایفه‌ها مدام در بین خود خصومت‌ها و رقابت‌هایی داشته‌اند؛<sup>۱</sup> خصومت‌هایی بر سر سرزمین، قلمرو و دارایی‌ها و... که این خصومت‌ها معمولاً به همبستگی بین افراد یک طایفه و دشمنی با افراد طایفه دیگر می‌انجامید. گاهی نیز رقابت‌هایی بین آن‌ها در قالب تیراندازی و سوارکاری و کشتی (گوروش) انجام می‌شده است<sup>۲</sup> و اعضای طایفه‌ها از نماینده طایفه خود جانبداری می‌کردند و در دفاع از هم‌طایفه‌ای خود در برابر طایفه دیگر به جنگ یا رقابت می‌پرداختند.<sup>۳</sup> بنابر نظر یکی از مطلعین، در شرطبندی‌های امروزی نیز می‌توان مشاهده کرد که افراد در کنار شرطبندی‌ها، معمولاً (نه الزاماً) بر روی اسب‌های دوستان و خویشان خود شرطبندی می‌کنند. این کنش‌های آنها کارکردی نمادین دارد و در راستای حمایت نمادین از اقوام و خویشان انجام می‌شود که نهایتاً به همبستگی بین دوستان و خویشان می‌انجامد. بسیاری از آنها برای اینکه این نکته را نشان دهند آشکارا از مالک اسب سؤال می‌کنند که آیا اسبش امروز سرحال است و اینکه آنها قصد دارند بر روی اسب او شرطبندی کنند. البته ممکن است بر روی آن اسب شرطبندی نکنند. اما با تظاهر به حمایت از اسب او در حال بیان دوستی خود هستند. این کنش به برقراری نوعی ارتباط اجتماعی منتهی می‌شود و صمیمیت و عطف را بین افراد یک قوم و طایفه افزایش می‌دهد. اگر کسی روی اسب خویشان و دوستان خود شرطبندی نکند، معمولاً این نکته را ابراز نمی‌کند. افراد معمولاً پس از برنده شدن اسب نزدیکان خود، سریعاً خود را به او می‌رسانند و به او تیریک گفته، خوشحالی خود را بیان می‌کنند؛ گویی که اسب خودشان برنده شده است. بنابراین شرطبندی برای افراد کارکردی نمادین پیدا می‌کند تا از این طریق همبستگی خویش را بیان کنند.

در این شرطبندی‌ها تنها از دوستان حمایت نمی‌شود، اما دوستان مالکان اسب‌ها بر روی اسب دوستان خود بیشتر شرطبندی می‌کنند. هرچند هیچ اجبار اجتماعی در این مورد وجود ندارد. مسابقه گویی بین دو طایفه است که در قدیم انجام می‌شده است. چابک‌سوران قدیم نماینده طایفه خود بودند و سربلندی را برای طایفه خود به ارمغان می‌آوردند. افراد معمولاً روز قبل از مسابقه پیش مالک اسب می‌روند و به او روحیه می‌دهند و برای پیروزی اسب او دعا می‌کنند. اشکالات اسب‌های دیگر را به او می‌گویند و

۱ البته امروزه این رقابت‌ها بسیار کم شده است اما، در قالب شوخی مطرح می‌شود و هرکدام طایفه خود را برتر از طایفه‌های دیگر می‌دانند. این مسائل

به‌خصوص در مورد مسائل فرهنگی بیشتر مطرح می‌شود و هر کدام آداب و رسوم خود را ارجح می‌دانند.

۲ امروزه نیز در برخی عروسی‌ها این مسابقات برگزار می‌شود و جوایزی به برندگان اهدا می‌شود.

۳ این طایفه‌ها معمولاً با یکدیگر وصلت نیز نمی‌کردند.

توصیه‌هایی برای نحوه مدیریت مسابقه در طول کورس می‌کنند. بنابراین بیشتر از مسائل مادی و رقابتی، مسئله همبستگی مطرح است.

#### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق می‌توان اذعان کرد که آن‌چنان‌که گیرتر معتقد است، همه امور فرهنگی را می‌توان همچون یک متن دید که مانند دیگر متون مکتوب و بصری قابل تفسیرند و می‌توان معانی عمیق‌تری جدا از ظاهر آنها یافت. با این تفسیر و تأویل است که می‌توان به معنایی که افراد به کارهای خود می‌دهند نزدیک شد و به شناخت عمیق‌تری از موضوعات فرهنگی دست یافت و این علم هرمنوتیک است که این ابزار تفسیر را در اختیار ما می‌گذارد و این اجازه را به ما می‌دهد که قدرت تفسیر پیدا کنیم و به معانی نهفته متون دست یابیم. گرچه ممکن است بسیاری از این تفسیرها با واقعیت همخوانی نداشته باشد.

شرط‌بندی بین اسب‌ها را می‌توان به ساختار گسترده‌تر اجتماعی مربوط کرد. بردن و باختن در این مسابقات با جایگاه و منزلت نمادین فرد ربط پیدا می‌کند، آن‌چنان‌که گیرتر در مطالعه جنگ خروس‌ها به این تفسیر می‌رسد. در جنگ خروس‌ها در بالای برنده جنگ به صورت نمادین جایگاه و منزلتی اجتماعی در بین روستاییان پیدا می‌کند در اینجا نیز مالک اسب برنده، منزلتی نمادین می‌یابد. گویی خروس‌ها و اسب‌ها امتداد هویت آنها هستند و به‌طور نمادین خود اجتماعی آنها را بازنمایی می‌کنند. ترکمن‌ها نیز مانند بالیایی‌ها که خروس‌های خود را به چیزهایی مزین می‌کنند اسب‌های خود را آرایش می‌کنند، یال و دم آن‌ها را به نحوی بسیار زیبا می‌بافند و از وسایل مخصوص زیبایی اسب‌ها برای آنها استفاده می‌کنند. تغذیه اسب‌ها برای آنها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، چراکه این حیوانات جانورانی نازپرورده شده‌اند. اما تفاوتی که بین نگاه اهالی بالای به خروس و اسب‌ها به ترکمن‌ها وجود دارد این است که آن‌طور که برای بالی‌ها حیوانیت به غیر از خروس ناپسند است، برای ترکمن‌ها اینگونه نیست و برای آنها حیوانات ارزش مادی و نمادین دارند. آنها در هنگام نوازش کودکان خود نیز از واژه‌های همچون *گوشک* به معنی بچه‌شتر استفاده می‌کنند و برای آنها حیوانات مظهر آلودگی نیستند. هیچ‌کس حق ندارد به اسب توهینی بکند چون اسب مقدس است. اسب حیوانی است آسمانی که پیامبر با آن به عرش رفته و در کنار شتر مظهر برکت است و برای مردان ترکمن و زندگی‌شان برکت خواهد داشت و هیچ فردی نیز حق توهین حتی به صورت کلامی به اسب‌ها را ندارد.

تفاوت دیگری که بین جنگ خروس‌های گیرتر و سوارکاری دیده می‌شود این است که گیرتر معتقد است که فرد بازنده به‌واسطه باخت خود تحقیر می‌شود و باید ابزار جنگ خود را به‌عنوان غذای فرد برنده به او تحویل دهد، اما در مسابقه اسب‌ها برخلاف خروس‌ها فرد بازنده تحقیر نمی‌شود، چراکه فقط او بازنده نیست. اینجا مسابقه بین دو اسب نیست، بلکه چندین اسب با هم رقابت می‌کنند و این امر باعث می‌شود که طعم شکست آنچنان تلخ نباشد، چراکه تنها یک فرد بازنده نیست و جایگاه اجتماعی او مورد تردید واقع نمی‌شود و درعین‌حال اسب‌های دوم و سوم نیز جزو اسب‌های برنده محسوب می‌شوند و به آن‌ها نیز جایزه نقدی تعلق می‌گیرد.

از دیگر سو همان‌طور که گیرتر برای شرط‌بندی‌ها در جنگ خروس‌ها کارکردی نمادین قائل است در مورد رقابت اسب‌ها نیز چنین کارکردی مطرح است. در جنگ خروس‌ها فرد برنده در شرط‌بندی به کسب منزلت نائل می‌آید در شرط‌بندی‌های سوارکاری نیز افراد شرط‌بند به‌عنوان افرادی متخصص و جسور در بین مردم دارای جایگاه و منزلتی نمادین هستند و در کنار مسائل مالی آنچه مهم است شهرت و اعتباری است که به‌واسطه قدرت پیش‌بینی درست کسب می‌کند.

گیرتر معتقد است که در شرط‌بندی‌های جنگ خروس‌ها در بالای افراد بر روی خروس‌های آشنایان و هم‌روستایی‌های خود شرط می‌بندند و این امر دارای مناسبات بسیار پیچیده‌ای است که در نهایت دارای کارکردی اجتماعی است. در این جا افراد از طریق

شرطبندی بر روی خروس نزدیکان خود به‌نوعی ابراز همبستگی می‌کنند. در مورد شرطبندی بر روی اسب‌ها نیز چنین موضوعی صادق است و با توجه به ساختار طایفه‌ای ترکمن‌ها این امر، یعنی شرطبندی بر روی اسب هم‌قبیله‌ای و هم‌طایفه‌ای خویش از اهمیت بیشتری برخوردار است و نشان‌دهنده همبستگی و حس اتحاد در بین افراد یک طایفه است که در تداوم ساختار طایفه‌ای نقش گسترده‌ای بازی می‌کند. به نظر می‌رسد این جنبه یکی از بارزترین جنبه‌هایی است که جمله‌گیرتر دال بر اینکه «اینها معانی‌ای هستند که افراد به رفتارهای خود می‌بخشند» نمود پیدا می‌کند.

شبهات دیگری که در این مسابقات وجود دارد عدم اعتراض به داوری است. افراد به قضاوت داوران هیچ اعتراضی نمی‌کنند و همیشه مطیع تصمیمات داوری‌های آنها هستند و هرگز دیده نمی‌شود که کسی اعتراضی بکند و در این بین آنچه آنها بروز می‌دهند پایبندی به مرجعیت افراد و قانون است. در مورد شرطبندی بر روی اسب‌ها نیز آن‌چنان که در متن آمد می‌توان کارکردی مشابه را به‌واسطه پایبندی به تعهدات شرطبندی‌ها و پرداخت پول در صورت باخت بدون داشتن هیچ نوع سندی در نظر گرفت. در اینجا نیز افراد می‌آموزند که باید پایبند به عهد خود و قواعد بازی باشند که این به‌نوعی جامعه‌پذیری می‌انجامد که فرد در آن می‌آموزد که جامعه نیز دارای قانون و قواعدی است که باید برای بقای حیات اجتماعی به آنها پایبند بود. چیزی که ما در دنیای مدرن از طریق بازی‌ها و داستان‌ها در مورد عواقب و پیامدهای عدم پایبندی قصد انتقال آنها را به کودکان خود داریم. آنچه که بالایی‌ها از طریق جنگ خروس‌ها و ترکمن‌ها از طریق سوارکاری آنها را انتقال می‌دهند.

از نظر گیرتر انسان‌ها نیازمند این هستند که به زندگی خود معنا ببخشند و ترکمن‌ها با برگزاری مسابقات سوارکاری، به‌گونه‌های مختلف به زندگی خود معنا می‌بخشند. در اینجا فاعل برای کار خود معنایی در نظر می‌گیرد. گویی قوم‌های مختلف از حیوان استفاده می‌کنند که به زندگی خود معنا ببخشند و آنچه نمی‌توانند در واقعیت انجام دهند به‌طور استعاری و نمادین با استفاده از حیوانات انجام می‌دهند. در اینجا مسابقه حیوانات ابزاری است برای نشان دادن هنجارها و ارزش‌های جامعه و تداوم حیات اجتماعی از طریق داستان‌هایی که این افراد از طریق این مسابقات به خودشان در مورد خودشان می‌گویند.

آنچه بر اساس این مطالعه می‌توان توصیه کرد این است که نخبگان جامعه نباید به این مسابقات صرفاً با نگاه قماربازی و شرطبندی و یا تفریح نگاه کنند، شرطبندی‌ای که افراد دخیل در آن تنها بازنده‌های وقت و پول خود هستند و تمام زندگی خود را در آن می‌بازند، بلکه این مسابقات برای افراد شرکت‌کننده در آن دارای کارکردها و معانی بسیاری است. شاید در این مسابقات افراد چیزهایی را از دست دهند و پولی ببازند، اما برای خود آنها کارکردی استعاری دارد و با آن به‌دنبال معنابخشی به زندگی خود هستند. درک ناقص این مراسم‌ها و آیین‌ها به تصمیم‌گیری‌های فرهنگی‌ای منجر می‌شود که ممکن است ضرورتاً به نفع افراد یک جامعه نباشد. برای تصمیم‌گیری، باید با نگاه درونی به چنین پدیده‌های سنتی پرداخت. این فرهنگ‌ها و آیین‌ها که به‌طور سنتی برای مردمان یک قوم باقی مانده است برای خود آنها دارای اهمیت نمادین است.

## ۱۱. منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ ششم، تهران، نشر مرکز
- آشوری، داریوش (۱۳۸۹)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: نشر آگه
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۵)، *دین و سیاستگذاری فرهنگی*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- جانسون، لزی (۱۳۷۸)، *منتقدان فرهنگ؛ از ماتیو آرنولد تا ریچارد ویلیامز*، ترجمه ضیاء موحد، تهران: طرح نو
- ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۷۸)، *منطق و مبحث علم هرمنوتیک؛ اصول و مبانی علم تفسیر*، تهران: نشر کنگره
- سالزمن، فلیپ کارل (۱۳۹۵)، *فهم فرهنگ؛ مقدمه‌ای بر نظریه انسان‌شناختی*، ترجمه محمدامین کنعانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- شائولز، جوزف (۱۳۹۶)، *مقدمه‌ای بر درک تجربه فرهنگ عمیق*، ترجمه عبدالعزیز تاتار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۳)، *مبانی انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی
- کاظمی، بهرام و سعیدی، میترا (۱۳۹۰)، *موسیقی قوم ترکمن*، تهران: متن
- مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۶)، *هرمنوتیک و نواندیشی دینی؛ تبیین اصول هرمنوتیک گادامر و تطبیق آن بر مبانی معرفتی نواندیشان مسلمان ایرانی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- نادری، احمد (۱۳۹۱)، *کلیفورد گیرتز، از پوزیتیویسم تا انسان‌شناسی تفسیری*، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره بهار و تابستان، صص ۸۴-۶۱
- نیچه و دیگران (۱۳۷۷) *هرمنوتیک مدرن، گزینه جستارها*، ترجمه بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر مرکز